



قابلیت‌های شاهنامه برای برگردان به فیلم‌نامه داستانی (با محوریت داستان رستم و اسفندیار)

آناهیتا متمنی^۱، هنگامه آشوری^۲

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده: داستان فصل مشترک میان ادبیات و بسیاری از هنرهاست. هنرهای چون تئاتر، سینما و حتی نقاشی و موسیقی. اما داستان برای تبدیل شدن به فیلم‌نامه باید دارای ویژگی‌هایی باشد که ابتدایی‌ترین آن تصویری بودن داستان ادبی مورد نظر است. چرا که تصویر برآمده از وصف شاعر یا نویسنده جاندارترین عنصری است که بیننده را به درک موقعیت مکانی و زمانی می‌رساند. از این رو در مقاله حاضر سعی شده است با تمرکز بر عناصر «تصویر» و «داستان» که از مهم‌ترین عوامل ساختاری در شکل‌گیری فیلم‌نامه هستند، از آمادگی و قابلیت داستان‌های شاه‌نامه در برگردان به قالب فیلم‌نامه داستانی سخن گفت. بدین منظور با تعریف کلیاتی چون تصویر (اعم از حماسی و سینمایی)، داستان و فیلم‌نامه بحث را آغاز نموده و در ادامه با طبقه‌بندی و شرح ساختار داستانی فیلم‌نامه که بیشتر مبتنی بر عناصر تصویری و داستانی چون صحنه، شخصیت، پیرنگ، مضمون، و گفتگو است، بحث را پی گرفته و در این میان با نشان دادن نمونه‌هایی از داستان رستم و اسفندیار شاه‌نامه و تطبیق ساختار داستانی آن با ساختار فیلم‌نامه و آوردن نمونه‌هایی از تصویرسازی در این داستان، پژوهش به سرانجام می‌رسد.

واژگان کلیدی: شاه‌نامه، تصویر حماسی، فیلم‌نامه، رستم و اسفندیار